



ناشرانیش های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (بیست دوم) دوشنبه ۱۴هـ ۱۳۷۵هـ ۱۹۶۸ ع

بهرک کار مل

استقرار ازار تجاعی یا تحول

بنیادی در کشور

مجاهد حاکمه اجتماعی افغانستان هر روز در راه حفظ مناسبات اقتصادی وضع موجود و حتی در راه جمع به فقرا و استقرار دکاتوری سیاه خشن و با هنجار و انجمن سیطره و مواضع سیاسی خویش و حذف زورم هاق نیم بند زسطحی در توطئه و گوشه اند. چندین گروه است که حکومتی افغانستان را میباید که تروانه تمام تلاش خود را معطوف سرکوبی بنیادری خلق و نیروهای تحمل طلب و کوری کرده اند.

ولی با گذشت زمان و تغییرات نسبی که در جهان رخ داده و در اثر بنیادی و مبارزه مردم افغانستان، هیات حاکمه حسابس کرد که زور کوبی و استبداد را ختانی دیگر نمی تواند بقای طولانی داشته باشد. تضمین کفایت باین جهت، در عین حفظ روش طرفانه، استبداد و دیپلوما سی میکیاو لیستی، سیاسی است. روشی که معنی اسلوب تحقیق خلق، مانور ها

و عوام فریبی های سیاسی، تحریک و تطمیع ... وسیعاً شروع و حکومتها عرضه بروز آن گردید و در اسلوب و روش عمل دولتی تغییراتی به عمل آمد. تحول از بالا شعاعاً در قرار گرفت، دستور ایجاد قانون اساسی جدید صادر گردید. به ما آیتشماره)

انتخابات دوره دوازدهم اعلان و شوروی وجود آمد، نهضت اوج گرفت. جنبش مردمیان، روزگار و شهربان به در استبداد یورش بردند و نهضت گری از جوان کشور ظاهر گشت و دو حکومت در عرضه دو سال سقوط کرد و حکومت سوم آستانه تحول، تشکیل شد. بدین ترتیب

استواری طولانی کراسیک تبدیل به یکدوم سلطه استبدادی جدید و اجتماعی دریده دموکراسی فوایدی گردید. در این هنگام است که محافل حاکمه برای تثبیت مقام تاریخی (۱) و اجتماعی خویش در

استقرار دکاتوری مستبدانه و تحول شعار طرفانه «تثبیت اوضاع و استقرار سیاسی، گرفت. اصلاحات و استقرار دکاتوری مستبدانه نوین آنتیانی در قیافه گری، از زراد خانه ارتجاع بیرون کشیده شد و در میان هواداران استعمار نوین و محافل

معاکمه به قیافه اصلاح بنده یوشاناز سیاسی وسیعاً جلب نفوذ و حتی ضد قانون اساسی و ضد نیروهای تحول طلب و نظری منت گرافت، قریب چنانچه اخیراً «هلندی» ترافش آنتیمن شان در اکونومیست لندن و جام

چون نمای بی بی سی، آن مرکز اداره سنتی استعماری چین، دشمن شماره یک تاریخی خلق افغانستان و زور زمین او نامند به جهت استقرار ارتجاع و استبداد و نفوذ استعمار نوین انعکاس کرد و حکومت نظری اقتصادی، را تا سر حد

بازایی و بیامیزی کشانید ... ناپایه شد که سیستم اداره کیف مایشایی موجود در سر بوش خلق و وطن چه نقش دیگری داشته باشد. (ص ۲)

ملاقات سران حزبی و حکومتی اتحاد شوروی و چکوسلوواکیا در فضای صمیمیت و حسن نیت میان رسید

خبر گذار بسیار مختلف خیر دادند که در نتیجه ملاقات «بهران احزاب کسومستی اتحاد شوروی و چکوسلوواکیا تصمصیم گرفته شد که یک جلسله چند جانبه ملاقات بین احزاب کسومست و کارگری اتحاد شوروی (ایالت شوروی، بلغاریه، چکوسلوواکیا، آلمان شرقی و یونان) و هنگری تشکیل گردد (این ملاقات در پاریس ۱۲ اسفند ۴۷ بود یکی از مشهوره های چکوسلوواکیا اتفاق افتاد

اجتماعی مبارزی په باره کی

به بود تیسو بهاری . که دختری وخته کی له زور تیا او چیکنه نه کار زنده شی چه مترقی هوقی متجددین پس ل. که زوری او مخالفی نوخی پول بیابوری دی صسر بو دیاره لازمه ده چه له کار و خلی، له مخامخ صصه هوقی، دورانی میوند به کار واجوی، ما تور وگری او به تد بیچی پول عمل وکا ندی . که داسی ونشی او خبره ما چرا جویی ته رسیری . که دختری او معا سبی په نتیجه کی خرگنده شی چه متر فی قوا وی پیا پری او مقابل لوری قوا وی به

کاره

ماه ران و دستگاه اداره دولت

مروت و بشمار میروند. این عوا بد که از کینه دولت و خلق باصصویت کامل غارت میگردد در حقیقت امی در ادا، همان سر قلعی چوکی ویا به در ادا، وظیفه است که بر داخته شده و با بد چند سر تبه بیشتر حصول گردد. اکنون در ادارات خاصه دستگاه دولت افغانستان بطور زورموم با کوشش و ذنات تقدیم بنماید. این چنین ستمن فر بوت و با سید کتافه اداری است که هر کار مأمور

ده ها خا نواده با نفوذ و مستکر که رفه ترین و مجالی ترین و سیال زندگی را در اختیار دارند چهل سال قبل فاقد حیا خلق و زنی بود که لیکن اکنون با داشتن مقام، منصب و کسومی های بیبرکت در دولت افغانیستان صاحب میونیا در ای در بانکهای داخل و خارج، هزاران جراب زمین ، باغها و ازار تاشا بها بر خود دار اند.

آکون سولای ساده مطرح میگردد که درک این همه عواید چه بود که بخورد دولت و از کینه خود به عوام خا حواسیل مییابند که در بهای امریالیسم وار نجاج داخلی در صورت رشد سن ماهه داری در کشور نمیتوانند، با بیستند. بنا بر آن مجبور میگردند که مؤلف بدستور ما خارج امریالیستی رادو پیش گیرند. ولی درست نخواهد بود اگر حالت نو سانی و علم کبات خورده بورژوازی درنگ تنگ نظری و کوهانه اندیش است، باو صفت

انسانی بین البین از نظر سیاسی تا افشاری بی استحکام پیدا کرد و نسایند گان انبیا در خدمت دولتی و ادارات مومر اقتصادی کشور ستم افزاب میگردند که شایع مشان با مانع از آرمندانه طبقات استعمارگری بر خورده میمانند.

نظاره ها، بنایا، باغها، مسگرها، و غیره در نظر میباشند. کسبه و تاجران ما موران روو مستقران که از لحاظ معاره داران، دگا بداران ... و غیره در نظر میباشند. قشر های از ما موران و باقی مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

حقوقی درباره ترکیب اجتماعی جامعه ما

اینجا در مبارزات ضد امپریالیستی وضع نشود دانی جلب و کشانید شو ند تعداد قابل ملاحظه بیشه وادان، بخصوص بیشه واران شهری جزئی اخورده بورژوازی و تشکیل میدهد کخصو صیات این قشری از پیشه واران در بحث مربوط به خورده بورژوازی میاید . عبادتی از بیشه واران رابطه نزدیکی با تاجران ، بعضا با کارخانه داران رسود جوان داران دارند و زیرا با یواد او ایزار از آستانه است میارند و با احساس ما خسته شده خود را با تها، انجول مید هند و بدینوسیله مورد استثمار قرار میگیرند.

خورده بورژوازی : خورده واری ترکیبی از قشرهای متوسط الحال جامعه میباشند که بین بورژوازی و ملاکین از طرفی و کارگران و دهقانان تبهت شد و مزدور از طرف دیگر قرار دارند مانند قشر بالانسبه مرفه بیشه واران . کسبه و دهقانان میان ماهه داری و بیسه و زان در اینجا بیشتر خورده بورژوازی شمرده میگردند. قشر عمده آری بیسه و زان مانند شیاط ما، بوت دوزها، تاجران، بنایا، باغها، مسگرها، زرگرها، ویران کارها، صاحبان و رکشایهای کوچک و غیره میباشند که در نظر میباشند. قشر های از ما موران و باقی مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

اعتراف به وضع مالی خنطیر کشور

انکاء دارد . معاملات تجاری مواد تولیدی ما، در بازار های خارج تا مساعده فروش محصولات مادر بازار جهانی در نداشت که تا این ازا در سطح بدست آوری اسعار خارجی بوضاحت

مشا هده میونیا نام - از ضاع در داخل کشور حسب مطلوب نبود و نیست و عیلت آن کماد معا مات تجاری، تزییل سطح فروش و استیلاک مشا و عیلت داخلی افزایش تعداد بیکاران و ضیقسی

واقع بون ملکیت در آستانه است که حله و کوداقصالی ملکیت تیا زمند یک تحول سالم و معین بوده ... نو قعات و نیاز مندی مردم هامت که روز بروز بیشه به آن افزایش می

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

بسیر ماهه داری میباشند. کسبه و بیسه و زان که بیاری مشا و مت در برابر رفاهت انحصار های خارجی

پرابلهای حیاتی راه‌شدگیر سرمایه‌داری

اهداف دموکراتیک ملی

در بسیاری از مستعمرات سابق، جنبش‌های دموکراتیک برای تحقق اهداف آزادیبخش به پا یافتند. این جنبش‌ها در پی برپایی دموکراسی و تحقق اهداف عمده ذیل است.

تحکیم استقلال سیاسی و اذیت بردن استعمار امپریالیستی.

حکومت‌های ملی برای برپایی دموکراسی و برطرف کردن طبقات اجتماعی.

تأمین رشد سریع صنعتی تحت نظارت دولت بر پایه دوازده اصل.

حرف‌های و اداری هر ما به داران بزرگ داخلی.

دموگراسی ساختن و مسخ حیات اجتماعی و سیاسی.

اما خاطر نشان باید کرد که حل این پرابلهای مانع رشد سرمایه‌داری نمیگردد بلکه بر عکس اجابت مستمر خارجی و اداریین بر پایه بی‌ثباتی موانع را از سر راه سرمایه داخلی برمی‌دارد. عناصر بورژوازی به کمک شوکت‌های بین‌المللی از فر ضحیای که بدست آمده بفرض بقوه‌ی توسعه ساحه فعالیت خود بهره بر داری مینماید. در چنین مستعموره سابق از قبیل هندوستان، فیلیپین، پاکستان، و غیره، بعضی کشورها به ای دیگر افزوده و ملغی و پیش از همه کشورهای امریکای لاتین آزادی سیاسی از امپریالیزم ریشه مناسبت سرمایه‌داری را تحریک نمود. این تمایل در دیگر کشورهای آزاد شده بمشاهده رسیده است.

در عین زمان در بسیاری کشورها تمایل شد سرمایه‌داری در وجود دارد که آن عبارت از تحریف مناسبت سرمایه‌داری حقی در وقت اصلاحات دموکراتیک عمومی میباشد.

این از پرابلهای حیاتی است که متلا منس برای کشورهای آزاد است.

از این جهت در کشورهای مستعمرات سابق، جنبش‌های آزادیبخش برای تحقق اهداف ذیل در پی بوده‌اند:

تحکیم ملی و توسعه اقتصادی آن کشورها.

توسعه صنعتی و ایجاد صنایع جدید.

توسعه کشاورزی و اصلاحات روستایی.

توسعه معارف و آموزش عالی.

توسعه بهداشت و رفاه اجتماعی.

توسعه نیروی انسانی و علمی.

توسعه همکاری بین‌المللی و جهانی.

توسعه همکاری بین‌المللی و جهانی.

تساوی حقوقی و دولتی افرا

اساسی حق قبی مستعمرات کلبه افراد یک کشور در نین دموگراسی و دموکراسی که بر طبق این مفاهیم فرای قیام آمده و فاضل جمیع شئون زندگی از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و غیره در یکسان بر خوردار باشند. هر نوع تجدید مستقیم و یا غیر مستقیم حقوق افراد و گروه‌هایی از مردم و معیشت در برابر آنان از لحاظ جنس (مرد و زن)، نژاد، ملت، قوم، قبیله، لسان، مذهب و غیره و با عکس دست به تفریق وضع قوانین جدید زده‌میشود. بنابراین قوانین انظفا داشت که تساوی کامل و واقعی حقوقی افراد در چنین احوال و اوضاعی تأمین گردد.

در حالی که مسأله تساوی حقوق افراد در دو جامعه متضاد و غیرضابطاتی یک طرفه است که در این است و در هر یک از این دو جامعه تساوی حقوقی در برابر همه افراد وجود دارد. از آن جهت بر طبق مفاهیم دموکراسی و تساوی حقوقی، هر یک از این دو جامعه باید در جهت تساوی حقوقی در برابر همه افراد اقدام نماید.

حقایق در باره ...

برهمنه در جستجوی متحد نیست تا جهت بر آوردن ضروریات و خواسته‌های فوری اش از آن کمک گیرد. بدین لحاظ قابل اهمیت است که با لایمی سیاسی در دست مردم خود راه برود و از فشار متوسلین دست برهنه و تعقیب گردد و آنها متقاعد کرده که حقوق آنها را از دست ندهند. منافع ایشان راه خطر نمی‌اندازد بلکه علیه مالکین قدر دال و بورژوازی بزرگ دلال می‌آید.

این کشورها مجبور اند قسمتی از (ص ۴)

این کشورها مجبور اند قسمتی از (ص ۴)

از (ص اول)

برهمنه در جستجوی متحد نیست تا جهت بر آوردن ضروریات و خواسته‌های فوری اش از آن کمک گیرد. بدین لحاظ قابل اهمیت است که با لایمی سیاسی در دست مردم خود راه برود و از فشار متوسلین دست برهنه و تعقیب گردد و آنها متقاعد کرده که حقوق آنها را از دست ندهند. منافع ایشان راه خطر نمی‌اندازد بلکه علیه مالکین قدر دال و بورژوازی بزرگ دلال می‌آید.

روشنفکران: روشنفکران قشر معینی از جامعه نیروی کار فکری خود امرار معاشی و معنایی (مصلحتان، مصلحان، استادان، نویسندگان، مترجمان، دوکوران، انجمنیان، دانشمندان و دستمندیان) ماموران دولتی) می‌باشد. روشنفکران در جهت بر آوردن ضروریات و خواسته‌های فوری اش از آن کمک گیرد. بدین لحاظ قابل اهمیت است که با لایمی سیاسی در دست مردم خود راه برود و از فشار متوسلین دست برهنه و تعقیب گردد و آنها متقاعد کرده که حقوق آنها را از دست ندهند. منافع ایشان راه خطر نمی‌اندازد بلکه علیه مالکین قدر دال و بورژوازی بزرگ دلال می‌آید.

این کشورها مجبور اند قسمتی از (ص ۴)

این کشورها مجبور اند قسمتی از (ص ۴)

از (ص اول)

این کشورها مجبور اند قسمتی از (ص ۴)

این کشورها مجبور اند قسمتی از (ص ۴)

استقرار ارتجاعی یا تحول بنیادی ...

حکومتی که در حال وظیفه‌ی ماست که تا حدود امکان و شرایط قانونی (۱) در قبال این همه نوسانات و بحران‌های بی‌پایان و بی‌پایان که در پی آن است، کسب و کارهای مردم را در جهت تولید ثروت و رفاه اجتماعی و معیشتی تنظیم و برقرار دارد. این وظیفه‌ی اساسی است که بر عهده دولت است.

در هر جامعه‌ای، هر چه که در جهت تولید ثروت و رفاه اجتماعی و معیشتی تنظیم و برقرار دارد، این وظیفه‌ی اساسی است که بر عهده دولت است.

حکومتی که در حال وظیفه‌ی ماست که تا حدود امکان و شرایط قانونی (۱) در قبال این همه نوسانات و بحران‌های بی‌پایان و بی‌پایان که در پی آن است، کسب و کارهای مردم را در جهت تولید ثروت و رفاه اجتماعی و معیشتی تنظیم و برقرار دارد. این وظیفه‌ی اساسی است که بر عهده دولت است.

در هر جامعه‌ای، هر چه که در جهت تولید ثروت و رفاه اجتماعی و معیشتی تنظیم و برقرار دارد، این وظیفه‌ی اساسی است که بر عهده دولت است.

از (ص اول)

از (ص اول)

از (ص اول)

